

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

خیانت بزرگ به مردم ایران به صلح و امنیت منطقه و جهان (اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

مرداد ماه سال جاری هنری کیسیجر
وز غارجه ایالات متحده امریکا در
قامت داشت و در جریان اقامت وی پروتکلی
ایران با مضامین کیسیجر و هوشنگ انصاری
اقتصادی و دارائی ایران رسید و موافق این
لی پنج سال آینده بازرگانی ایران و امریکا
ساب اسلحه ۶۵ در صد افزایش خواهد
رزم نجومی چهل میلیارد دلار خواهد
عین حال ایران و امریکا در جریان همین
اطلام داشته اند که تا سال ۱۹۸۰ کشور ما
۱۰ تا ۱۵ میلیارد دلار مدرن ترین اسلحه
بروایی و دریایی « غیر هسته ای » از امریکا
رید . طی چهار سال گذشته خرید ایران از
و غیبه اسلحه بهمین اندازه بوده است . به
که در مطبوعات امریکائی نیز اعتراف شده
ران طی چهار سال اخیر پانزده ای هواپیما
تلاک ، هلیکوپتر و جنگ افزار های دیگر
کرده که با آن می تواند ارتشی دو برابر
ناتیا در سال ۱۹۷۸ داشته باشد ! کشور ما
۷۰ درصد مردم آن بیگلی بیسوادند . برای
این اسلحه پیچیده و مدرن که بنا به تصریح
امریکا ، در استفاده از برخی از آنها ، بعلت
تنی ، حتی وزارت دریا داری امریکا دچار
شده است ، هزاران تن ریزش فنی امریکائی
کرده است . تعداد این ریزشان و وابستگان
هم اکنون تا ۳۸ هزار تخمین میزنند و در
۱۰ این تعداد تا ۶۰ هزار نفر بالغ میگردد .
و پنج مطبوعات امریکا بدین ترتیب ، اقلیت
زبانائی ، در نفوس ایران جلی دوم را پس از
بندی ارمنی میگیرند . معامله با امریکا با معا
ج با انگلستان همراه است . در ماه سرداد
۵۰۰ میلیون لیره اسلحه بیوزمه موشکهای
یرو از انگلستان ، بصورت پایاپای و در مقابل
ت خریداری شده . بتحویل نقت در مقابل اسلحه
ناکره ایران با امریکا نیز هست . در این مورد
در مصاحبه اخیر خود در نوشهر با خبر
امریکائی که همراه هنری کیسیجر پاریان
ند گفت : « از نظر ایران نقت کالائی است
ن با آن تجارت کرد . ما نقت میفرشیم و
دیگر میخریم . زیرا نقت ما منعی است بسیار
بش و خریدار هرگز با وضع غیر منظره ای
اهد شد . اگر ما قول مقداری معینی نقت را
پنج سال به خریدار بدهیم ، این مقدار نقت
ل تاده خواهد شد . در تفسیر معامله پایاپای
ملحه مطبوعات امپریالیستی نیز اعتراف دارند
گندیز برای آن اتخاذ شده است که جلوی
ویک را حاکمی از اینکه ایران بهائی نقت خود را
پایان تر از دیگر اعضای اولک تعیین کرده
گیرد . باین واقعات باید افزود که ایران
براکرزا کنورتائی که انحصارهای امپریالیستی
پارادر هیئت نطقه جهان در نظر گرفته اند
گردد . در مصاحبه نوشهر شاه در این باره
یت : « هشت یا ده دستگاه مولد اتمی مورد

چه کسانی در زندانهای شاه میپوسند ؟

تلخ نهفته است که ماهیت این رژیم پلید فساد پرور
را بخوبی آشکار میسازد .
ابتدا عین خبر : « هویدا نضت وزیر در یک
مجلس مهمانی با حمید کاشانی اخوان مدیر عامل
فروشگاه بزرگ روبرو شد و به او گفت : « حالت
چطوره ؟ ... شنیده ام به طیس مسافرت کرده بودی ،
و بدنبال این احوال پرسوی زیرکانه که اشاره به اقامت
اجباری مدیر فروشگاه ایران در طیس بود ، هویدا به
کاشانی گفت : « حالا که مردم طیس از تو پذیرائی
کردند ، تو هم یک کاری برای آنها بکن . کاشانی
اخوان نیز با تقدیم یک چک سیصد هزار تومانی برای
کمک به عمران و آبادی طیس دین خود را به طیس
ها ادا کرد ... »

حمید کاشانی اخوان کیست ، « اقامت اجباری »
او در طیس و « احوال پرستی زیرکانه ، هویدا به چه معنا
است ؟ برای پاسخ به این پرسش ها و پرده برداشتن
از روی این معما ها به خبری که تقریباً یک سال پیش
در شماره ۱۹ شهریور ۱۳۵۴ کیهان هوائی درج شده
برد ، مراجعه میکنیم : « حمید کاشانی اخوان که به
چرم گرانقروشی باز داشت و به طیس فرستاده شده
بود ، با عنوان کردن بیماری اجازه گرفت که در
نطقه دیگری به مداوای خود بپردازد . وی با استفاده
از این فرصت بجای آنکه برآکز درملی برود و خود
را معالجه کند ، با خانواده خود به مشهد رفت و یا
گرفتن چند اطاق در « هایت هتل » (مجل ترین هتل
خراسان) و در اختیار گرفتن یک تلفن با شماره مستقیم
فعالیت های بازرگانی و دیگر کار های خود را اداره
کرد . »

این حوادث زمانی انجام گرفت و میگردید که
شاه علیه باصطلاح گرانقروشی به جهاد اکبر برخاسته
و این جهاد را یکی از اصول انقلاب خود ترار داده
است . زمانیکه رژیم بیبانه مبارزه با گرانقروشی
هزاران تن از کسبه و پیشه ور خرده پا را به زندانها
میفرستاد ، جرمه میگرد و از کسب و کار باز میداشت ،
حمید کاشانی ها در مجل ترین هتل ها به زد و بند
های بازرگانی خود ادامه میدادند . حمید کاشانی اکنون
در ضیافت ها با نضت وزیر کشور هم پیاله میشود و
دنباله در صفحه ۲

افکار عمومی در اروپای غربی بفعالیت ساواک اعتراض میکند

روز ۹ شهریور ماه رادیو تهران اطلاع داد که
معاون وزارت خارجه سوئیس از سفیر ایران در برن
خواسته است که دبیر اول نمایندگی دائمی ایران در
دفتر سازمان ملل متحد « بعلت عملیات خلاف قوانین
جاری سوئیس ، در طرف ۴۸ ساعت خاک این کشور را
تروک کند . رادیو تهران در رد این « اتهام » افزود که
دبیر اول نمایندگی ایران در دفتر سازمان ملل متحد
« تسولیت امنیتی » داشته ، « از ابتدای شروع بخدمت
رسماً بمقامات امنیتی سوئیس معرفی شده ، و « سالها با
آن مقامها همکاری داشته است . رادیو تهران سپس
ابراز حیرت کرد که « اکنون روشن نیست و توضیحی
نداده اند مأموری که مورد مراجعه و همکاری بمقامات
امنیتی سوئیس بوده چگونه مرتکب اقداماتی علیه متافع
سوئیس و قوانین جاری آن کشور شده است ، ! »

پیش از هر چیز خبر رادیو تهران اعتراف
آشکاری است باین که اولاد دبیر اول نمایندگی دائمی
ایران در دفتر سازمان ملل متحد در سوئیس - که یک یک
مقام سیاسی است - عضو ساواک بوده است . ثانیاً این
مأمور ساواک با مقامات امنیتی سوئیس همکاری رسمی
و طولانی داشته است .
و اما اینکه ساواک در اروپای غربی بر ضد
ایرانیان و بویژه مبارزان ضد رژیم با سازمانهای امنیتی
کشور های غربی همکاری نزدیک دارد و بسیاری از
مأموران سیاسی ایران عضو ساواک اند ، راز آشکاری
است و تا زنگی ندارد . تازه این ، فقط اعتراف رسمی یک
مورد آن از طرف رژیم است . لذا حیرت رژیم از عمل
دولت سوئیس بجاست . فقط گردانندگان دستگاه
تلیفاتی رژیم ، فراموش کرده اند ، به مردم ایران
بگویند که تصمیم دولت سوئیس مبنی بر اخراج یک
عضو ساواک در نتیجه فشار افکار عمومی مردم سوئیس
بوده است که بویژه در دوران اخیر به فعالیت جنایت
کارانه و مخرب ساواک در کشور خود شدیداً اعتراض
کرده اند .

اعتراض به فعالیت جنایتکارانه و مخرب ساواک ،
منحصراً به مردم سوئیس هم نیست . افکار عمومی در
بسیاری از کشورهای اروپای غربی پیش از پیش نسبت
دنباله در صفحه ۲

«سلطنت دیوانه میکند ، سلطنت مطلقه مطلقاً دیوانه میکند .»

شاه و مخبر دانمارکی

« محصول آب و هوا و جغرافیا »

مخبر دانمارکی هم مانند خیلی ها روزی از روزها
(۱۵ خرداد ۱۳۵۵) بخاک نیاوران آمد تا با شاهنشاه
آرنا مهر ، مصاحبه کند و او هم فرصت را برای
تحویل یکسلسله مطالب که فقط چنین شاهنشاه آرنا
مهری از عهده ابداع آنها برتواند آمد ، غنیمت شمرد .
شاه نه فقط دیکتاتور است ، اعمال دیکتاتوری میکند ،
بلکه لذت میبرد از اختیارات بی حد و مرز خود دم
بزند . در این باره شاه مطالب زیرت را گفت :
« تمرکز قدرت در دست شاهنشاه بخواست مردم ایران
است و اگر تمایلات عمومی ایجاب میکرد ، اختیارات
بیشتری به سازمانهای متعدد از سطح روستا تا سازمان
های عالی سیاسی این کشور تفویض میشد . یعنی
اینکه امروز او سلطان مطلق کشور است و حتی نضت
وزیر و وزیران و اعضاء مجلس شورا و سنایش چاکران
حقیری پیش نیتند ، خواست مردم ایران است ! پس
قانون اساسی را که نوشت و انقلاب مشروطیت چه
بنود نه شاه گفت : « تا کنین میکنم که از قدرت
کوتنی برای خواست های شخصی استفاده نمیشود .
پس این میلیارد ها ثروت خانواده پهلوی ، این تجمل
های خیره کننده ، این عیش ها و نوش ها ، جشنها
و خروشها از کجا آمده است ؟ معلوم میشود ، کمو

نسیم بین المللی ، است که طفلی اعلیحضرت را
بپهوده متهم میکند ، و نیز گفت : « ما ایمان داریم
که ۳۳ میلیون مردم این کشور خوستان صمیمی ما
هستند . باستثناء عده ای ناچیز ، تمام مردم ایران
دوستان من هستند . . . مفهوم پادشاه در کشور من
با مفهوم پادشاه در دیگر کشورها بسیار متفاوت است .
نقشی که من دارم باید هر کس که در مقام پادشاهی
این کشور باشد ایفا کند ، زیرا این خواست مردم و
یا خواست طبیعت آنهاست (یعنی از بطن مادر شاه
پرست بدنیا میآیند) . . . این مسئله مربوط به
سنت و آداب ملی میشود . . . مربوط به عادات است
. . . این مسئله جغرافی و محیطی و آب و هوا و سیاست
جهانی است . . . نجله بسیار درم ولی عجیب مرتجان
است : سلطنت مستبدانه کوتنی در ایران نه فقط
نتیجه آداب و سنن ملی و عادات عمومی است (بقول
معروف : اینکه هیچ) بلکه یک مسئله « جغرافیائی
محیطی است » و آب و هوای ایران اقتضا میکند که
یک قلندر بر گرده خلق بنشیند ، و سیاست جهانی
مستلزم که چنین کسی به وردار و ورمال ثروت
جامه و زنج و شکجه و اعدام فرزندانش مشغول باشد .
آب پاکری اعلیحضرت روی دست ملت ایران من الحال
دنباله در صفحه ۲

شاه و مخبر دانمارکی

الی روز سی هزار سال محشر کبری ریخته اند. مخبر دانمارکی میگوید: «علیحضرت ا شما وظایف و مشوریت های بسیار زیاد دارید» در مراسم متعدد شرکت میفرمائید. در چنین شرایطی اعلیحضرت فرصت کافی برای مطالعه گزارشهای رسیده دارند، شاه میگوید: «مسئله کار کردن مهم است. آنهم کار زیاد و عادت کردن بآن مسئله را حل میکند. از نومی ندارم من تمام صفحه را برای درک موضوع مطالعه کنم. پس از تجزیهات ۳۵ ساله اینک با مطالعه چند جمله از اول یا وسط یا آخر گزارش به آسانی میتوان پی برد که مفهوم گزارش چیست. و در جای دیگر: «من با تجربه هایی که طی ۳۵ سال سلطنت بدست آورده ام مطمئناً بهتر از مردم کوچه و بازار میدانم که مردم کشور چه فکر میکنند. واقعا ۳۵ سال سلطنت چه مختصات جالبی در یک غول بی شاخ و دم که محصول آب و هوا و جغرافیاست میتواند بوجود می آورد؟»

مزدور داریم تا مزدور!

مخبر دانمارکی می پرسد: «منابع زیادی از پول را شما برای تقویت بنیه نظامی صرف میکنید؟ شما از چه کسی میترسید؟» شاه میگوید: «... در شاهراه حیاتی که تنگه هرمز است هیچگونه اخلاقی را تحمل نخواهم کرد. باید این شاهراه دریایی همیشه برای عبور و مرور کشتی ها باز باشد زیرا زندگی ما باین امر بستگی دارد. ما هرگز اجازه نمیدهیم مزدوران جنگی بین المللی (?) وارد آنتسوی مرز های ما شده و در نزدیکی کشور من مشکلات ایجاد کنند. با جدیت تمام از وقوع چنین حوادثی جلوگیری خواهیم کرد. اجازه نخواهیم داد مشی مزدور منطقه ما را مورد تهدید قرار دهند! خوب! روشن شد! اعلیحضرت هرگز اجازه نمیدهند هرگز تحمل نمیکند که مشی مزدور حتی آنتسوی مرزهای کشور حتی در نزدیکی ایران عرض اندام کنند. مخبر دانمارکی می پرسد: «بمنظور بر طرف کردن کمبود افراد ماهر در حال حاضر شما تعداد زیادی خارجی بویژه آمریکایی ها را بایران آورده اید. این موضوع شما را نگران نمیکند؟ زیرا اینکار با روش مستقل که شما برای توسعه ایران خواستارید مغایرت دارد. شاه میگوید: «نه! ابتدا، زیرا آنها استخدام شده اند و کارکنان ما هستند و در پایان هر ماه حقوق آنها را می پردازیم...» مخبر دوباره می پرسد: «آیا به نظر اعلیحضرت وجود اینتجه خارجی نوعی آتکاه با بیگانه نشان نشان نمیدهد؟» شاه میگوید: «نه! ابتدا! هرگز! چنین نیست! موضوع آتکاه سیاسی مطرح نیست...»

کمی فکر کنید: «مشی مزدور» در آنتسوی مرز در نزدیکی ایران یعنی جنگجویان ظفار که شاه آنها را چند صد تن با برهنه میباند، دیگ غیرت ملوکانه را چنان جوشان میسازد که فریاد «ما هرگز اجازه نمیدهیم!» «ما هرگز تحمل نمیکیم!» «با جدیت جلوگیری نمیکیم» او با سامان می رود. ولی دهها هزار نفر نظامی آمریکایی آنتسوی مرز در داخل ایران همه شتون زندگی ما سیاست داخلی و خارجی ارتش و نفت صنایع بانکها بازرگانی هتلهای غیره و غیره را طبق دهها قرارداد رسمی و قرار غیر رسمی کنترل میکنند! ابتدا ضرری ندارند و جنب اعلیحضرت یا پاسخهای: «نه! ابتدا!» هرگز! چنین نیست! میخواد ذهن مخبر دانمارکی را هر چه زودتر بیندازد. واقعا رو که نیست سنگ پای گروین است.

غشوار تمدن غرب

مخبر دانمارکی میگوید: «اعلیحضرت! مشکلات و خطاهای اروپا را تشریح کنید. شاه میگوید: «میخواهید بکجا بروید؟ خواست هایتان چیست؟ چرا در نابودی خود کوشا هستید؟ چرا میخواهید منهدم شوید؟ برای چه؟ تمدن کهنه سفید پوستان و یا تمدن مسیحیت خود را میخواهید با کدام تمدن مبادله کنید؟ چه چیز را جانشین تمدن سفید خود خواهید کرد؟»

احساسات شاهنشاه آتشین است. قهر و غضب او بعد اغلا است. تأسف او پایان ندارد. این اروپایی

چه کسانی در زندانهای شاه میبوسند؟

در پاسخ احوالپرسی «زیرکانه» او سیصد هزار تومان از دهنها و صد ها میلیون تومانی که با هزار دزدی و کلاشی از دسترنج زحمتکشانش روده است، ناز شست میبوزد. حمید کاشانی مبتکر تأسیس «فروش گاههای زنجیره ای» در ایران بوده و هم اکنون صاحب سه فروشگاه عظیم در تهران است. او که در نتیجه گرانفروشی باصطلاح تجید شده بود، اکنون نه فقط در ضیافتها هاشمینی و هم پیماله نخست وزیر کشور میشود، بلکه بیاس «خدمات» خود مورد تشویق و مرحمت نیز قرار میگیرد. بدنباله خبر اطلاعات توجه کنید: «... نخست وزیر سپس حمید کاشانی را به تأسیس تعدادی فروشگاه بزرگ تشویق کرد و قرار شد در این باره بعداً مذاکراتی بعمل آورند و با حمایت دولت طرح تأسیس فروشگاههای جدید از طرف فروشگاه ایران بواقع اجرا گذارده شود». از رژیمنی که در رأسش شاه دزدان قرار گرفته باشد، خواهر شاه ملکه قاجاریان باشد و نخست وزیرش حتی در دورانی که دبیر ناچیز سفارت شاهنشاهی در پاریس بود، بلزدی میپرداخت و مورد اعتراض مقامات رسمی فرانسه قرار میگرفت، بیش از این نیز انتظاری نمیتوان داشت. این شاه و دربار و چاکرانشان که تا فرقی سر در متجلباب دزدی و فساد فرو رفته اند، جز پرورش دزد و فاسد، کاری نمیتوانند انجام دهند.

نماینده تلویزیون دانمارک در جریان مصاحبه ای که با شاه انجام داد، از او پرسید: «و دیده ام که مبارزه ای علیه فساد آغاز کرده اید. آیا این راست نیست که بسبب جریان ناگهانی مبالغ هنگفت پول بسیاری از ثروتمندان خیلی ثروتمندتر شده اند و من میدانم که فقرا هم احتمالاً فقیر تر شده اند و شکاف بین این دو طبقه وسیعتر میشود. شاه با بی پروایی خاص خود این واقعیت را منکر میشود و از برقراری عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی دم میزند. و این عدالت شاهانه زمانی است که فرزندان زحمتکشانش در نتیجه بیماری و گرسنگی، فقدان پزشک و دارو چشم بجهان نکشده راهی آیت دنیا میشوند، ولی کاظم کوروس و اکبر لاجوردیان برای جشن عروسی فرزندان خود که عنوان «عروسی سال» بخود گرفت، بیش از ۱۵۰۰ نفر از مقامات عالی دولت و صاحبان صنایع و بازرگانان، را به هتل هیلتون دعوت میکنند و سالن های این هتل در مراسم جشن به نمایشگاهی از مد لباس و موزه ای از جواهر و زینت آلات مبدل میشود و نوریدگان این نمایندگان عدالت اجتماعی برای گذراندن ماه صسل عازم پوئان میگردند.

شاه باز در همین مصاحبه با بیشرمی ذاتی خود مدعی میشود که «در کشوری که با سرعت رشد میکند همیشه مردمی هستند که میخواهند خیلی زود ثروتمند شوند، اما ما نسبت به اینگونه افراد سخت غش هستیم» اینها بیشترشان در زندانها میبوسند. نه! شاه هرگز با دزدان و فاسدان «سخت خشن» نیست و نخواهد بود و غارتگران نیز در زندانهای شاه نبوسیده و نخواهند پوسید. فقط کسانی که با رژیم خود کامه و مینم فروش شاه بمبارزه برخاسته اند، خشم حیوانی او را بر میمانند و آنان هستند که اگر در میدانهای گیر و شکنجه گاههای شاه به شهادت نرسیده باشند، در سیاهچال های او میبوسند. ولی شاه باید اینرا هم بداند، که پایه های تختی که در کاههای رژی انگیز بزور سرنیزه بر آن تکیه دارد، مدتهاست موربانه خورده و روزی خشم توده ها این تخت پوسیده استبداد را واژگون خواهد کرد.

غریب بکجا می رود؟ چرا میخواد «تمدن کهنه سفید پوستان»، «تمدن مسیحیت»، «تمدن سفید» خود را از دست بدهد؟ چه چیزی را میخواهد جانشین آن کند؟ چرا در کار اتهام خود میگوید؟ ایوانی! بداند برسید! ولی این شاه بقدری در مطالبی سکه میبافد تقیض گو است که در جریان همین بحث «سروشتمدن اروپایی غربی»، یعنی سروشتمدن کهن سفید و مسیحی سفید پوستان که بنظر او با نهایت اندوه و اسف درخطر اتهام قرار گرفته، میگوید: «بدنبال جنگ دوم جهانی زندگی اروپاییان با وفور نعمت هموار شد. ورود تروتسکی بیکران از کشورهای در حال رشد جهان، بوالهوسی ها و سوسه هائی ایجاد کرد. در حالیکه شما اروپاییان در پرتو ثروت های

سوئد

هنگامیکه دیکتاتور «کایتانو» در دهکده گالی پوش «ویریامو» (در موزامبیک استعمار دیروز) صدها نفر کودک، زن و سالخورده را زنده بگور میکرد، ابتدا نمی پنداشت که بزودت لیسبون قدرت تاریکش سرنگون میشود. ما، یاران مردم موزامبیک، آنرا دیدیم و گفتیم او ندید و بشنید. اکنون مستر فوستر در پیرامون شهر ژهانسبرگ، در کویهای سیاه نشیر «سوئو»، در میان کلبه های حقیر و چاله های اجن، صد ها و هزار ها نفر را بگول می بندد. پلیس او روزها و شبها مشغول جمع آوری نعش ها و زخمی هاست و او ابتدا نمی پندارد رژیم تژاد پرست «آپارتیید»ش در آستانه زوال است، و آرامش چمن های تنیس و استخر کبود بهم خورده است. یاران او در واشنگتن و بن نیز فکر نمیکند. متحد تاجدار او در نیواران نیز در این اندیشه نیست. ولی بند بند این کاخ ظلمانی از هم میگسند. دولت استعمار و تژادگرایی در «نامی پی»، «ردزیای»، افریقای جنوبی بر پایه های سستی است. رنگین پوستها، سیاهان، هندیها، تژاد های مخلوط، همراه سفیدها در سرتاسر جنوب افریقا میخیزند. طبقه نیرومند پرتلاریا پشت راست میکنند، تاز های کهنسال فریب و اغوا از میگسند. دیوار های جدائی بین گردان های خلق فرو میریزد، امواج پارتنریا در جنگل هم سوگند میشوند، طوفان شگرفی در کار زایش است. آری، شلیک «سوئو» زنان و کودکان فقیر و سیاه پوست را در کلبه های پوشالی شان غرق در خون میسازد. ولی پژواک این شلیک آسمانفرشاهی «پرتوریای» و «کیپ تاون» حتی کاخ سفیده واشنگتن را میلرزاند. «آخر» افریقا نیمه دوم قرن بیستم را که نمیتوان برده نگاهداشت.

آقای اسمیت! دوران مانور های مؤذبانه شما بسر آمده. آقای فوستر! نوبت فلسفه ها توجیه گرانه شما گذشته است. آقای ژسکار! اسلحه شما نمیتواند مسئله را بزبان تاریخ حل کند. آقای کیسیجنر! شعبده های مردم فریب شما بی اثر گردیده. آقای شمید! آقای کالاگاز «سوسیالیسم» شما بیش از این نمی تواند غازه ای بر چهره فاشیسم شود. آقایان تژادگرایان فاشیست ها! پرستندگان گولوله و زور! جناب آریا مهر! که دلار های نفتی خود را انبجازه پنداشته ای! کار به ویت نام و آنگولا و موزامبیک ختم نخواهد شد. تیرد ادامه دارد و اذاه خواهد داشت: تا زمانی که اسارت باقی است، تا زمانی که اسارتگر باقی است.

* مابین رژیم تژادگرایی افریقای جنوبی و خانواده پهلوی از زمان رضا شاه رابطه برقرار است. هم اکنون شاه برای حفظ این رژیم در تب و تاب است.

خیانت بزرگ به مردم ایران...

است محکوم میکند. ما مردم ایران را فرا میخوانیم تا وسائلی که میسر میشوند با آن مبارزه جلوی این خطر جدی را بگیرند. سیاست ماجرا شاه مسیر تصاعد دائمی خود را طی میکند این سیاست تنها میتواند بیک فاجعه بینجامد خود خواهی شاه و خانواده پهلوی چنانست که ندارند نه تنها مین ما بلکه سراسر منطقه را خاکستری بدل کنند. واقعیات اخیر یکبار دیگر صحت شعار ما را نشان میدهد که در مقابل مردم ایران وظ میرمتر از سرنگون کردن رژیم حاضر و برای افزایش مناسب تر از خاتمه دادن به تشتت و تیروها و ایجاد وسیع ترین جبهه ضد دیکتاتور کلیه سازمانها و عناصر مخالف رژیم وجود ندارند بها دادن به خطر و غفلت از آن بهیچوجه روان نیست و افراد مخالف رژیم نباید در تلنگ نظ گروهی مستغرق شوند و برای رهائی ایران از شر از شوم ترین ضد انسانی ترین و ماجراجوترین های قاضیت مآب جهان، باید وحدت عمل خ بوجود آوردند.

هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران شهریور ۱۳۵۵

با این آدرس با رادیو بیک ایران (یا مردم مجله دنیا، مجله مسائل بین المللی کنید! 3. 49034 28 Stockholm 49 Sweden

«مسیحی» بودن این تمدن بدر چه کسی میدانم بقول شادروان کسروی «براستی در یاوه اندازه نمیشناسد. اندازه نمیشناسد.»